

در این کتاب به بررسی و تحلیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی منطقه خاکی بختیاری در دوره قاجار و پهلوی پرداخته شده است. این کتاب به زبان فارسی و به صورت کتابچه در دسترس است.



یکی از مهمترین ایلات ایران ایل بختیاری است. تعداد افراد این ایل را حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر تخمین می‌زنند که در سرزمینی به مساحت تقریبی ۷۵۰۰۰ هکتار مربع زندگی می‌کنند. قلمرو این ایل که به نام خاک بختیاری معروف است ناحیه بین اصفهان و خوزستان قرار گرفته است و سلسه جبال زاگرس، در جهت غربی به جنوب شرقی، از میان این قلمرو میگذرد و آنرا به دو بخش کوهستانی شرقی و جلگه‌ای در غرب این سلسه جبال تقسیم می‌کند که بخش کوهستانی شرقی ایل بختیاری و بخش جلگه‌ای قشلاق آنها است. این قلمرو محدود است از شمال به لرستان، از سوی شرق به اصفهان و چهار محال، از سوی جنوب به ایلات لرزبان منطقه کهگیلویه و بویر احمد و ایل ترک زبان قشقایی و از سوی غرب به دشت خوزستان (نگاه کنید به نقشه خاک بختیاری). گویش آنها لری بختیاری است که با گویش لرهای لرستان و لرهای کهگیلویه و بویر احمد - تالارهای - متفاوت است. مذهب آنها شیعه جعفری است. سازمان اجتماعی این قلمرو بر اساس نظام منسجم دودمانی و سلسله مراتبی است که تا دهه ۱۳۰۰ ه.ش. در راس این هرم سلسله مراتبی، ایلخان قرار داشت. سیرستی کل این مجموعه راز نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عهده دار بود،



مال بوهون

کوچکترین واحد تولید

کوچکترین واحد مصرف،
در ایل بختیاری

اصغر کریمی

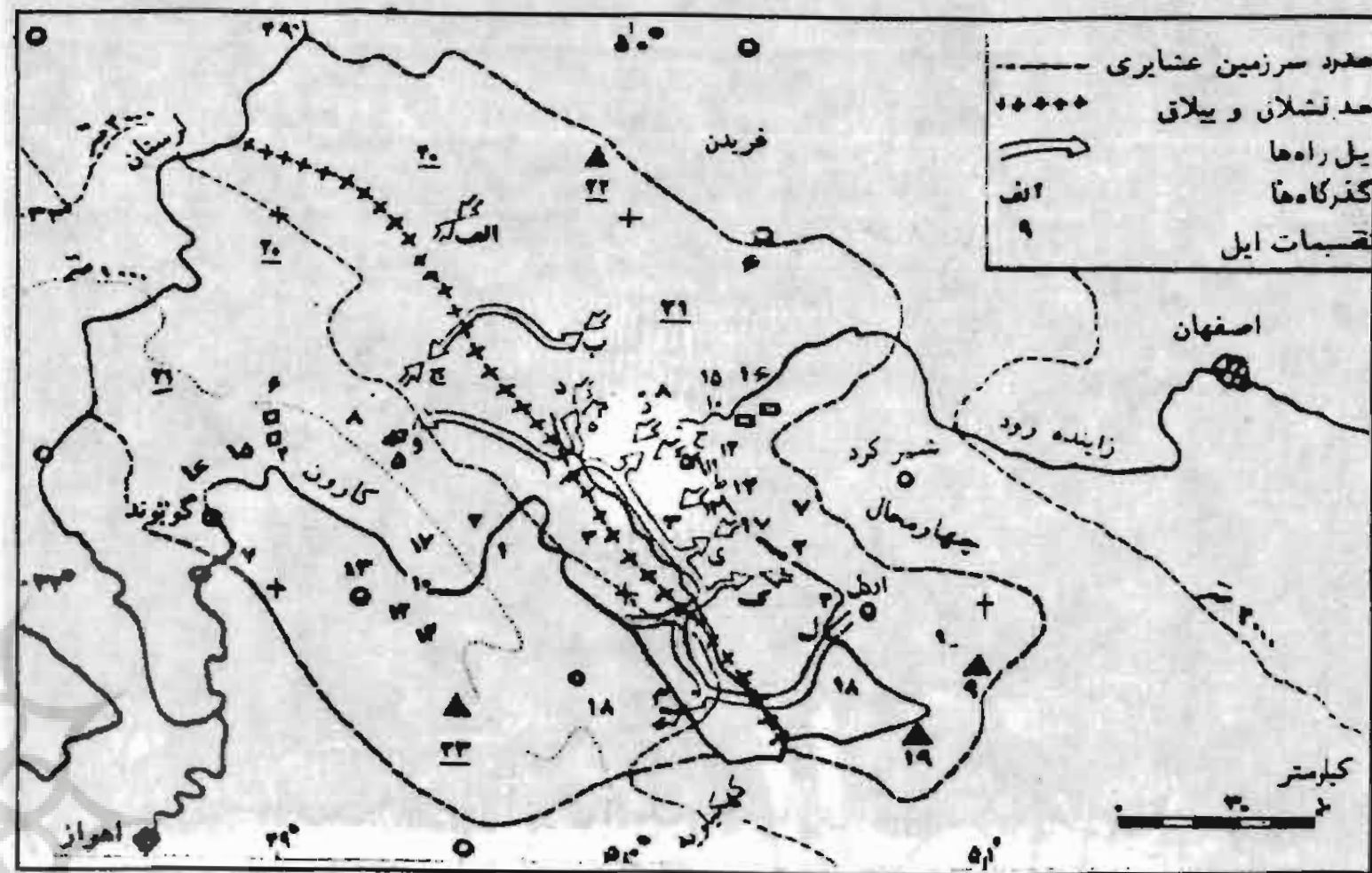
مرکز مردم شناسی ایران

ژان پییر دیگر

مرکز ملی مطالعات علمی فرانسه

این تحقیق در سالهای ۵۱ - ۱۳۵۰ در منطقه خاک بختیاری توسط آقای کتر ژان پییر دیگر مردم شناس فرانسوی و اصغر کریمی انجام گرفته است. آقای دیگر موضوع این بررسی را از دیدگاه رابطه باستانشناسی و مردم شناسی در مقاله‌ای عنوان اردوگاههای بختیاری در مجله Studia Iranica شماره ۴/۱ سال ۱۹۷۷ انتشار داده است.

که از این تاریخ به بعد این عنوان با همه امتیازات آن از سوی دولت لغو شد. ایل
 بختیاری به دو بخش هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم شده است. هر کدام از این



نقشه سرزمین ایل بختیاری

محل اردوگاههای مطالعه شده با علامت □ مشخص شده است.

بخش ها به چندین طایفه تقسیم میشود و سرپرستی هر طایفه را چهار نفر از
 بتنفدین همان طایفه به عهده دارند که به آنها کلانتر (۱) می گویند. هر طایفه ای
 از چندین تیره تشکیل شده و سرپرستی تیره ها به عهده کدخدایان است. هر تیره
 مرکب از چندین تش است. که سرپرستی آنها به عهده ریش سفید آن است. تش
 دارای تقسیمات کوچکتری به نام اولاد است که نام نیای آن گروه را بر خود دارد
 ولی از نظر نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایل دارای کار کردی نیست. هر
 اولاد به چند خانوار تقسیم میشود که خودشان آنرا فامیل میگویند و این واژه از
 زمان شناسنامه دادن به افراد عشایر ایران در بین ایل راه یافته است. سرپرست
 هر خانوار مرد خانواده و یا به مفهومی دیگر رئیس خانوار است. با وجود آنکه راس
 این هرم سلسله مراتبی، یعنی ایلخان و خوانین، حذف شده است معذالک نظام

کم بر آن هنوز به قوت خود باقی است و افراد ایل در درون این نظام از قوانین
 حاکم بر ایل پیروی میکنند.

در نموداری که از سازمان اجتماعی ایل بختیاری داده ایم این سلسله مراتب
 سوبی دیده میشود. در این نمودار، سازمان طایفه موری برای نمونه ترسیم
 شده است و از آنجائی که تیره های فرگنی، دهناشی، زلقی، منجزی، کیارشی و
 هنی در اصل به طایفه موری مربوط نبوده بلکه تیره هایی هستند از طوایف دیگر
 بی زمین و مرتع آنها به دلائل گوناگون مثل ارث، خریداری، بخشش از طرف
 پانین و غیره، در منطقه بازفت، که قلمرو طایفه موری است، قرار گرفته است به
 چار این تیره ها سر جمع موری ها شده اند و در این نمودار بگونه الحاقی نشان
 داده شده اند. باید توجه داشت که هر کدام از طوایف ۲۳ گانه دارای سازمانی
 مانند طایفه موری (گسترده تر یا ساده تر) هستند که نشان دادن همه آنها در
 صفحه دشوار است.

به کمک اعدادی که در مقابل طوایف گذاشته شده است میتوان محل بیلاق
 گرسیر آنها را در روی نقشه خاک بختیاری و نیز محل گذر هر یک از این طوایف
 از سلسله جبال زاگرس در جدول مربوط به گذرگاهها پیدا کرده، که آنها هم در
 نقشه مشخص شده اند. اعدادی که زیر آنها خط تیره است، طوایف چهار
 لنگ را نشان میدهند و اعدادی که در روی نقشه با مثلث سیاه مشخص شده اند
 نشان دهنده طوایفی هستند که برای همیشه یکجا نشین شده و دست از کوچ کردن
 برداشته و کاملاً وابسته به زمین شده اند.

بختیاری گذرگاههای سلسله جبال زاگرس که ایل بختیاری به هنگام کوچ از آنها
 بگذرند.

نحوه سکونت در حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر از این ایل هنوز هم به گونه چادرنشینی
 متحرک و به مفهومی دیگر کوچ نشینی است. بیلاق و قشلاق میکنند و حیات آنان بر
 بنیاد این تحرک و بر پرورش و تعریف دام از نوع گوسفند و بز استوار است. خصیصه
 نموده این نمونه معیشت تحرک و جابجائی ایل برای استفاده از مراتع است و همین
 ایل بخش مهمی از نیاز دامی کشور را بر آورده میسازد و در صورت توجه کافی قابلیت
 (۳) کلانتر عنوانی است که در سه دهه اخیر در ایل معمول شده و قبلاً به کلانتر
 شمال می گفتند و این واژه را اخیراً برای نوازندگان محلی بکار میبرند.

بار سازمان اجتماعی و سلسله مراتب سیاسی ایل بختیاری. سازمان طایفه موری نمونه آورده شده است.



علامت گذرگاه در روی نقشه	نام گذرگاه	طوایفی که از گذرگاه عبور میکنند
الف	تاکسونی	۲۰
ب	گله گاه	۶، ۲۱
ج	تیمی / کی نو	۶، ۲۱
د	تیز (در بهار قابل استفاده نیست)	۸، ۱۰
ه	پنبه کال	۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶
و	منار	۴، ۸، ۱۵، ۱۶
ز	ایلهوک (در بهار قابل عبور نیست)	۵، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶
ح	زرده	۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷
ط	کلنچی (غیر قابل عبور در بهار)	۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷
ی	چری	۲، ۴، ۵، ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷
ک	قراو	۱، ۲، ۴
ل	دسبار	۱
م	شالو	۸، ۱۰، ۱۳، ۱۸

مهمترین گذرگاههای سلسله جبال زاگرس که ایل بختیاری بهنگام کوچ از آنها میگذرد.

رشد زیادی دارد. مهمترین اقداماتی که با برنامه‌ریزی دقیق در جهت تحقیق این هدف میتوان انجام داد: تقویت دامداران خرده پا است و با رشد این بخش از دام داری بسیاری از مشکلات تولید دامی حل خواهد شد. همزمان با تقویت دام داران خرده پا باید طرح ملی کردن واحدهای بزرگ و صنعتی به اجرا گذاشته شود. در شرائط حاضر تولید دامداری با ابتدائی ترین وسائل صورت می‌پذیرد و در نتیجه میزان بازدهی آن ناچیز است. اگر تولید دامداری با وسائل مدرن تجهیز گردد و روشهای صحیح و علمی برای این منظور پیکار گرفته شوند و خدمات پزشکی و دامپزشکی در اختیار دامداران گذاشته شود، در این رهگذر به نتایج درخشانی مرسند. نیازهای مصرفی دامداران از جمله مسائلی است که باید به آن توجه کافی مبذول شود و در جهت رفع این نیازها اقدامات اساسی صورت گیرد. یکی از گامهای مثبت تقویت شکل تولید تعاونی است و نیز سیاست تولید باید در جهت حفظ و تنبیت بازار فروش دام عملی گردد. تشکیل دوره‌ها و کلاسهای آموزشی در جهت رفاه نیازمندیهای دامپزشکی، تا حد پیش‌گیری و رعایت بهداشت اولیه دامها، برای دامداران گام مثبتی است که هم دامداران را به حد خودکفائی میرساند و هم بار سنگینی از نظر بودجه و اعتبار و پرسنل از روی دوش دولت برداشته میشود.

و مسائلی از این قبیل که در مقاله‌ای دیگر از آنها صحبت خواهد شد. بنابر این عمده ترین نیازهای آنها در شرائط حاضر عبارتند از مسئله تغذیه دام و کمبود علوفه، مسئله خدمات دامپزشکی و مبارزه با بیماریهای دامی و واکسینه کردن دامها، مسائل رفاهی، آموزش و بهداشت و مسئله دام و کمکهای دولتی است که باید با برنامه ریزی صحیح و زیر نظر خبرگان عشایری و محلی و در چهارچوب برنامه‌های عمرانی کشور انجام گیرد.

کشاورزی غلات، بیشتر بصورت دیم و کمتر بصورت آبی - که آبی در محدوده رومته‌ها عمل میشود - شغل جنبی آنها را تشکیل میدهد و تا اندازه‌ای پاسخگوی نیاز رونی ایل است. صنایع دستی از نوع ریسنده‌گی و بافندگی، که از نوع تولید دامپروری نشأت میگیرد، یکی دیگر از اشتغالات افراد ایل است و بصورت محدودی انجام میگیرد و در چهارچوب نظام تقسیم کار، به عهده زنان است که اگر به آن نیز توجه شود یکی از منابع درآمد ایل خواهد شد.

سرزمین بیلاقی این ایل در ارتفاعات غرب اصفهان واقع شده است که بلندترین

آن به ارتفاع ۲۵۴۹ متر در زرد کوه قرار دارد. سرزمین قشلاقی آنها در دامنه شرقی سلسله جبال زاگرس واقع شده است و تا قسمتی از دشت خوزستان ادامه یابد. ایل بختیاری، در طول سال، دارای دو کوچ بزرگ در دو فصل بهار و پاییز از قشلاق به گرمسیر و بالعکس است. طول مسافت این کوچها بر حسب طوایف گروههای مختلف ایل متفاوت است و این مسافت بین بیلاقی و گرمسیر در پاره‌ای طوایف به ۲۰۰ کیلومتر میرسد (نگاه کنید به نقشه).

حرکت عشایر بختیاری دارای زمان بندی معینی است، ایل راه هر کدام از بیلاقی و گروههای ایل معین و ثابت است، و هر کدام از این گروهها در بیلاقی و نیز قشلاق مکانهای معین برای برپائی اردوگاه دارند که طبق قوانین و مقررات و انایلی متعلق به خود آنهاست و گروه دیگری نمیتواند از آنها استفاده کند لذا اقامتگاههای نسبتاً مداوم و ممتد در این مکانها، لزوم برپائی تاسیسات ثابتی را به منظور خدمات و مصارف خانگی، دامی و کشاورزی توسط خود بختیاریها ایجاد میکند. تاسیسات بهنگام کوچ و ترک اردوگاه به جای خود باقی میمانند و در نوبت بعد هنگام بازگشت ایل دوباره مورد استفاده قرار میگیرند. بختیاریهایی که توانائی پیدا تیر و چوب برای پوشش سقف را دارند، خانه‌ای یا در بیلاقی و یا در قشلاق با در هر دو برای خود بنا کرده اند و این موضوع بیشتر در طایفه بامدی دیده میشود که گرایششان به یکجانشینی بیشتر است. اگر کوچ نشینی را به مفهوم واقعی، یعنی حرکت و جابجائی گروههای انسانی که دارای شبکه روابط منسجم ایلی هستند ولی دارای اقامتگاه ثابت و معینی نیستند، در نظر بگیریم این عوامل به طایفه عوامل دیگر، مشخصه، "نیمه کوچ نشینی" قبایل بختیاری را از "کوچ نشینی" به معنای مطلق آن متمایز میسازد.

خانه‌هایی که ساخته میشوند یا بصورت خیلی ابتدائی از قطعه سنگهای راشیده بنا میگردد که به این نوع خانه‌ها "لیر" میگویند و یا از خشت میسازند مستلزم مهارت و تجربه و کم و بیش تخصص است و این نوع خانه‌ها را "تو" نامند. این خانه‌ها معمولاً دارای یک یا دو اطاق مستطیل شکل با سقف صاف و پوشش است که روی تیرها را با شاخ و برگ و گل و خاک میپوشانند. نوع دیگر بختیاریها کپرهائی است که دارای دیواره کوتاهی سنگی است و سقف آن از درست شده است و این سقف با شیب مضعف به دیواره‌های سنگی تکیه دارد.

بن نوع مسکن در قشلاق یافت میشود.

مسکن اکثر قریب به اتفاق بختیاریهای کوچ نشین منحصرآ سیاه چادر است که از موی بز سیاه بافته شده است و بوهون نامیده میشود. پوشش این چادرها از وارهایی به عرض پنجاه سانتی متر و بطول متناسب با اندازه چادر بوجود آمده که آنها را روی دارهای افقی بافندگی، زنان عشایر میبافند و کاملاً قابل حمل و نقل است. قیچی کردن موی بزها توسط مردان و شستن، ریسیدن، تابیدن، بافتن به هم دوختن این نوارها توسط زنان انجام میگردد. بافتن ریسمانهای چادر را بان عهده دار هستند و درست کردن دیرکها و ستونها و میخهای چوبی، تسطیح زمین چادر، سنگچین دور چادر و کندن چاله و درست کردن اجاق به عهده مردان است. بر پا کردن چادر رازن و مرد به یاری هم انجام میدهند. این چادرها بدون تاسیسات و عوامل ثابت از نوع تسطیح و سنگ چینی و غیره نمی توانند بر پا شوند و تنها آثاری که بعد از ترک ایل از اردوگاهها باقی میمانند همین عوامل ثابت هستند و بدلائل ذیل هیچ نوع شیعی و یا حتی هیچ نوع ضایعه و زباله خانگی یا ساختگی از ایل باقی نمی ماند، زیرا ایل بختیاری دارای یک برنامه منظم مالانه است و ترک محل هر اردوگاه را مطابق با برنامه کوچ سالانه و تعلیف به موقع دام تنظیم کرده است و کاملاً مشخص است که چه موقعی از اردوگاهی به اردوگاه دیگر خواهد رفت. بادر نظر گرفتن شرائط زندگی کوچ نشینی و ایل راههای کوهستانی، و سائلی که افراد ایل برای پاسخ گویی به حوائج زندگی با خود دارند از مواد اولیه و به شکلهایی ساخته شده اند که کاملاً با این نوع زندگی مطابقت دارند مثل مسکن قابل حمل و نقل - چادر -، خرجینهای بافته شده از پشم که قابل حمل و بارگیری در پشت چهارپایان است، ابزار و وسائل بافندگی مانند - وکها و دارهای بافندگی که اغلب از چوب ساخته شده و قابل جمع شدن هستند، ظروف آب و ظروف مواد لبنی که از پوست دامها هستند و غیره. پس شیعی در زندگی این افراد وجود ندارد که سنگین و یا تزئینی و بدون کاربرد منطقی باشد و بتوان آنرا جا گذاشت. لذا لازم است آنچه که دارند به هنگام کوچ با خود ببرند. هنگامی که به باقیمانده یک اردوگاه بختیاری میرسیم متوجه میشویم که ترک این محل روی برنامه تنظیم شده بوده است و نه بر اثر یک حالت اضطراری و در قابل یک حادثه و نه در اثر یک خطر غیر مترقبه. بختیاریها پس از ترک هر اردو

ضایعات لوازم خانگی و زباله مواد غذایی چندانی از خود باقی نمی گذارند زیرا یک طرف زباله مواد غذایی چندانی وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد آنرا صله توسط سگها که در اردوگاهها فراوان است خورده میشوند از طرف دیگر بختیاریها پیشه برای ساختن و سائل زندگی خود از مواد اولیه ای استفاده میکنند که شکننده نیستند بیشتر منشاء نباتی - چوب - و حیوانی - پشم، مو، چرم، و غیره که از گلهها است می آید دارند. و سائلی که از این مواد ساخته میشوند پس از اینکه دوران برف آن به پایان رسید و از سود دهی افتاد در طبیعت رها میشوند و بزودی تحت تاثیر عوامل طبیعی از بین میروند و اثری از آنها باقی نمی ماند.

آنچه که از مسکن عشایر و آثار زندگی آنها، بعد از ترک اردوگاه، باقی ماند همان اثر دیوارهای کوتاه سنگ چین شده، جای چاله های آتش و محل خاک داری چادرها است که به مطالعه آنها میپردازیم و سپس به مطالعه مسکن میرسیم. برای این منظور چهار اردوگاه را به عنوان نمونه انتخاب و به بررسی آنها اقدام کرده است. طرحهای ۱، ۲، ۳، ۴، محلو موقعیت این چهار اردوگاه را نشان میدهند که در چهار محل در طول یکسال بطور متناوب توسط یک گروه شانزده تنواری از طایفه با بادی بخش هفت لنگ بختیاری مورد استفاده قرار گرفته است. بخشهای ۱ و ۲ نشان دهنده موقعیت دو اردوگاه در بیلاق است و فاصله این دو اردوگاه از یکدیگر حدود سه کیلومتر است. طرحهای ۳ و ۴ موقعیت دو اردوگاه را در قشلاق نشان میدهند که به فاصله دو کیلومتری هم قرار دارند. فاصله اردوگاههای بیلاقی با اردوگاههای قشلاقی حدود ۳۰۰ کیلومتر است. زمان استفاده از این اردوگاهها در سال ۱۳۵۰ به ترتیب زیر بوده است:

اردوگاه شماره ۱ - از اواخر اردیبهشت ماه تا اواخر تیرماه

اردوگاه شماره ۲ - از اواخر تیرماه تا اواخر شهریور ماه که از آغاز کوچ پائیزه است.

اردوگاه شماره ۳ - از اوائل مهرماه تا اوائل دی ماه.

اردوگاه شماره ۴ - از دی ماه تا اواخر فروردین ماه که آغاز کوچ بهار است.

بوهون - (سیاه چادر) - فضای خصوصی خانوار

برای برپائی هر نوع تاسیساتی اعم از سیاه چادر، محل مخصوص بره ها،

کرد و از هر نوع سنگ بزرگ و قلوه سنگ و غیره پاک نمود و به این ترتیب قطعات همواری به وجود می آید که قطعه مربوط به مسکن بزرگتر و قطعات دیگر به نسبت کوچکتر است.

طول قطعه مسکن - که آنرا "جاوارگا" میگویند - حدوداً "ده متر عرض آن به تناسب از سه تا پنج متر است. جاوارگا اگر در همواری باشد فقط کف آن از سنگها بدوده میشود و اگر در شیب کوه یا تپه قرار گرفته باشد آنرا با خاک برداری و یا سنگ چین و خاکریزی هموار میکنند. همیشه در یکی از طولهای این جاوارگا دیواری کوتاه از سنگ درست میکنند که عرض آن در حدود یک متر و ارتفاع آن در حدود نصت تا هشتاد سانتی متر است. این دیوار از سنگها و قلوه سنگهای اطراف بدون بلاط ساخته میشود و در جاهائی که جاوارگا از طریق خاک برداری بوجود آمده است، تکیه بر قسمت خاک برداری شده دارد. در قسمت درونی دیوار، که به روم چادر مربوط میشود، چند حفره کوچک و در قسمت انتهائی سمت راست یک حفره بزرگتر با چند قطعه سنگ بزرگ به وجود آورده و کف آنرا سنگ چین میکنند. این محل ساده که قبلاً "جایگیری" و به وسیله سنگها علامت گذاری شده است فضای خانوادگی یک خانوار زن و شوهری است که به منزله خانه است. و هنگامی که این فضا عملاً "توسط خانوار مورد بهره برداری قرار گرفت، نام وارگا به خود بگیرد.

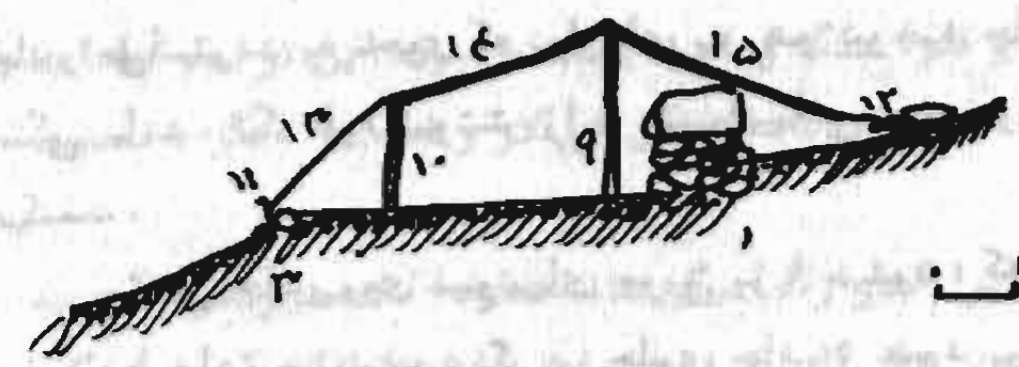
همینکه عشایر به اردوگاهها میرسند، بلافاصله زن و مرد و کودک و بزرگ است به کار میشوند. محل را نظافت میکنند، دیوار کوتاه سنگی را، که به آن "چل" میگویند، تعمیر و یا بازسازی میکنند و چادر را برپا می نمایند. در پاره ای موارد، اگر هوا مساعد و استفاده از سایه درختی در همان حوالی ممکن باشد، زن کار را به چند روز بعد موکول میکنند. رختخواب پیچها و خرجینهای محتوی سائل خانگی و یا مواد غذایی را در روی دیوار می چینند، ظروف و وسائل آشپزی را در حفره های تعبیه شده در دیوار میگذارند. در زیر حفره بزرگ سمت راست که نام آن سنگفرش است، مشکهای آب را قرار میدهند و کمی دوتر مواد سوختنی مثل بزم و فضولات خشک شده حیوانی را انبار میکنند. جای وسائل پخت و پز هم در همین محل است.

برای برپا کردن چادر ابتدا پوشش موئین چادر را روی سطح هموار محل

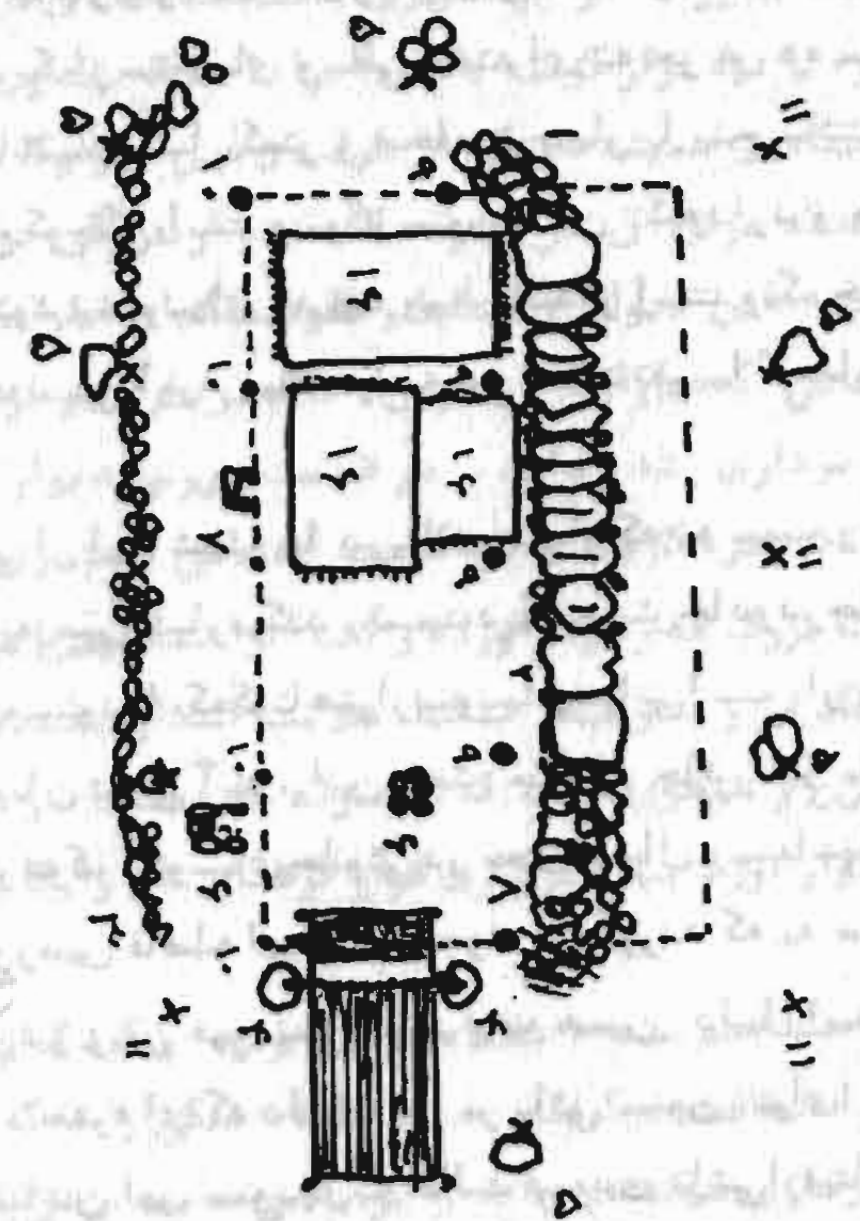
در می گسترند به نحوی که نوارهای به هم دوخته چادر به موازات دیوار کوتاه می باشد. یک طرف پوشش را با ریسمانهائی، در روی دیوار، به زمین مهار میکنند.

پوشش چادر روی ستونهای چوبی برپا میشود، که در دو ردیف، یک ردیف وسط چادر و ردیف دیگر در جلوی چادر، عمود بر زمین هستند. در انتهای افقی هر یک از ستونهای وسطی تخته ای به عرض ده سانتی متر و طول در حدود نود سانتی متر تا یک متر و ضخامت چهار یا پنج سانتی متر قرار دارد که در میان سوراخ کوچکی است و نوک ستون به آن تکیه دارد و مانع رد شدن ستون از پوشش در میشود. ستونهای ردیف وسط بلندتر است و یک خط میانی مشخص در پوشش در بوجود می آورد و سقف را به دو قسمت تقریباً "مساوی با شیب مضاعف تقسیم

شد. یکی از این شیب ها در بالای دیوار که به سمت زمین متمایل میشود و چادر زیشت به زمین مهار میکند. قسمت دیگر پوشش چادر در جلوی آن قرار میگیرد و به وسیله ریسمانها، که کوتاهتر از ستونهای میانی است، از زمین فاصله میگیرد و به حالت سایه بان در می آید. این بخش جلویی چادر نیز با ریسمانهائی به زمین مهار شوند و نوک ستونهای جلویی در محل اتصال ریسمانها با چادر قرار میگیرند و بین مادر و زمین فاصله ای را به وجود می آورند که به منزله در چادر است. ستونها هرگز در زمین فرو نمی برند و به همین دلیل است که بعد از کوچ ایل و ترک اردوگاه، حفره ای که دلیل بر برپائی ستون برای چادر باشد باقی نمی ماند. با ایستادن این ستونها به حالت عمودی ناشی از فشار چادر از بالا و ریسمانهائی است که چادر را به زمین متصل میکنند. اگر زمین نرم باشد و بشود میخ چوبی به زمین فرو کرد، این ریسمانها را به میخها گره میزنند و اگر زمین سنگی باشد و نتوان میخ چوبی استفاده کرد، شاخه های درخت و یا بوته های گز را زیر قطعه سنگهای بزرگ می گذارند و ریسمانها را به این شاخه ها گره میزنند و بعد از کوچ این قطعه ها و شاخه ها در همان اردوگاه باقی میمانند. دو قطعه سنگ بزرگ نیز غالباً در یک محل چادر، در حد فضای زندگی، دیده میشود. این دو قطعه سنگ برای دادن چوب میانی دار بافندگی افقی است. دو سر چوب میانی روی این قطعه سنگ قرار میگیرد و تارها را بالا نگه میدارد. سایر اجزاء متشکله دستگاه بافندگی



نای



راه چادر در ایل بختیاری

- ستونهای میان چادر

۱- ستونهای جلوی چادر

- میخهای جویی برای بستن بند چادر

- شاخه برای بستن بندهای چادر. روی این شاخه ها سنگهای شماره ۵ را میگذارند.

۱- بند چادر

۲- قسمت جلویی چادر که به منزله در ورودی آن است

۱- قسمت عقبی چادر که به زمین متصل است

۱- فرشها

امیخهای جویی به زمین متصل میشوند.

فضای سکونت خانوار به معنای اخص آن، همان فضایی است که پوشش چادر را می پوشاند. جهت این فضا با در نظر گرفتن در ورودی چادر تعیین میشود. بنا از جلوی چادر است و یا احتمالاً "از پهلوها". دیوار سنگی همیشه انتهای چادر مشخص میکند که بختیاریها آنها را بالای چادر میگویند. معمولاً در طرف راست نای چادر، که تقریباً نصف فضای چادر را شامل میشود، کلیه وسایل خانگی را بای میدهند. طانچه ها و حفره های تعبیه شده در دیوار که مخصوص لوازم آشپزی است، حفره با کف سنگفرش که برای گذاشتن مشکهای آب است، هیزم و سایر آغیره های سوختنی، وسایل ریسندهای، و غیره، همه در این قسمت جای دارند. با اجاق اصلی، یکی در زیر چادر و دیگری در بیرون آن، در همین سمت حفره سنگ چین شده اند. لذا نیمه سمت راست چادر، که خودشان آنها را "کیوانو" مینامند، مختص زنان است و جنب و جوشور ریخت و پاش وسایل زندگی روزمره در این محل خانه فعالیت در اور خانگی است. نیمه دیگر، در سمت چپ چادر، که خود بختیاریها آنها را "لامردان" مینامند، مختص مردان است و محلی است که جز کف پوشی، قالیچه و چند رختخواب پیچ برای تکیه دادن و یک اجاق فقط برای درست کردن نای، چیز دیگری در آن مشاهده نمی شود و منحصرآً برای استراحت و اجتماع مردان پس از انجام فعالیت های خارج از خانه است.

۱- دیوار سنگی

۲ حفره های تعبیه شده در دیوار

۳- سنگ چین منتهی علیه سطح هموار جای چادر

۴- سنگهایی که چوب میانی دار قالی بر آنها تکیه دارد

۵ سنگهایی که بندهای چادر را نگه میدارند

۶ اجاقهای اصلی برای پخت و پز

۷ اجاق کوچک برای درست کردن چای

۸ جای مشکهای آب

باید متذکر شد که سازمان داخلی چادر و تقسیم آن به دو قطب زنانه و مردانه نقطه از نظر تقسیم کار جنسی است و مطلقاً "به معنای جدائی میان مرد و زن نیست". این دو فضا به وسیله هیچ نوع حجابی از یکدیگر تفکیک نشده است.

بر حسب فصول مختلف سال و تغییراتی که در شرایط جوی حاصل میشود، تغییرات جزئی در شکل کلی و سازمان داخلی واحدهای مسکونی به وجود می آید که مهمترین این تغییرات در دیواره سنگی مشاهده میشود. همانطور که گفته شد، بین دیوار، در بیشترین ماههای سال، فقط قسمت انتهائی چادر را میگیرد، ولی در اردوگاههایی که از ماه دی تا فروردین سال بعد (هنگامی که سرما و باران در قشلاق به حد نهائی میرسد) مسکونی میشوند، این دیوار امتداد مییابد و پهلوها حتی بخش اعظمی از جلوی چادر را نیز میگیرد. (طرح اردوگاه شماره ۴)

مال : واحد اجتماعی - اقتصادی در ایل

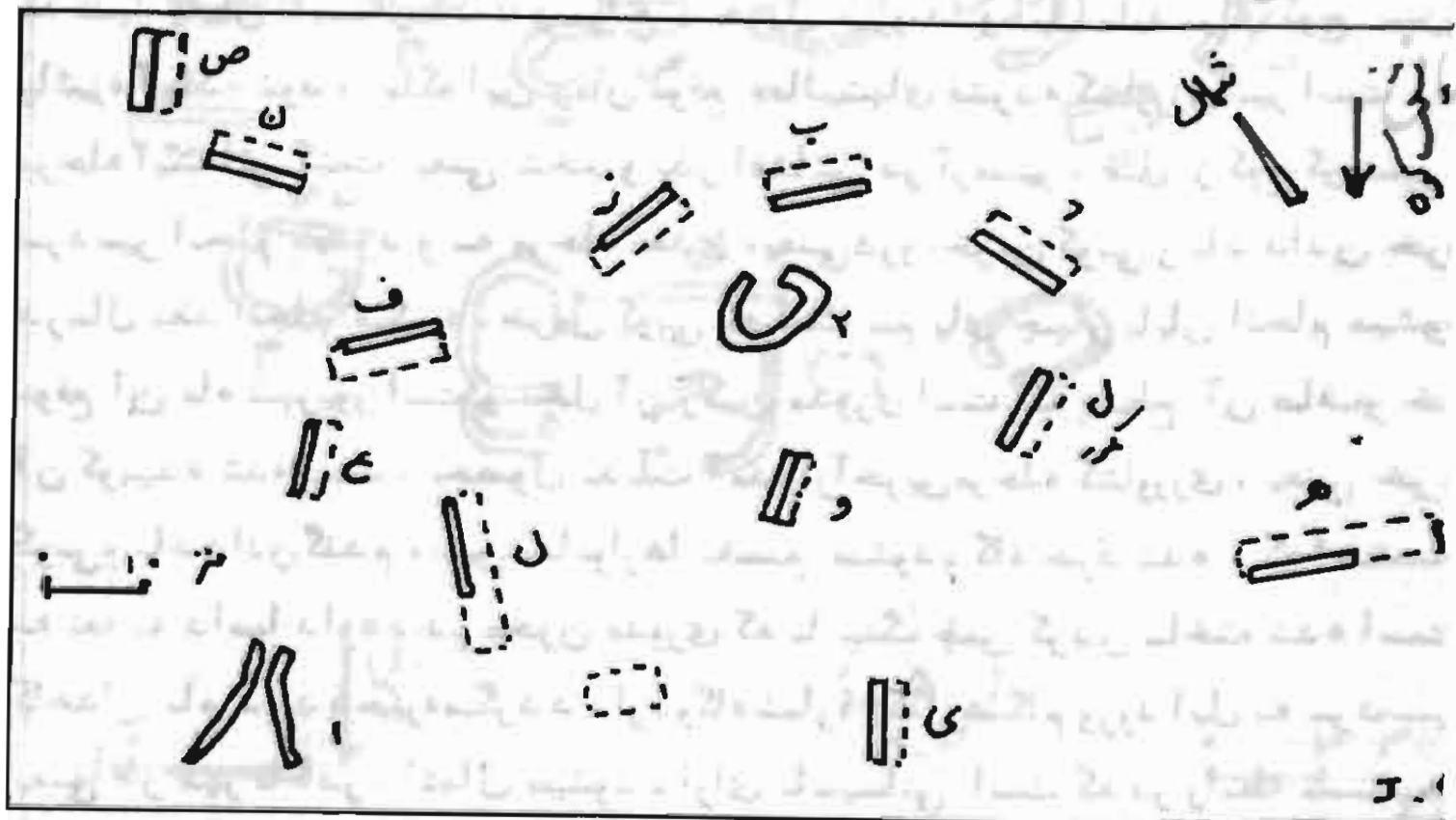
گروهبندی چادرها و تاسیسات مربوط به فعالیت های تولیدی در مال متمرکز است. هر مال - که ما نام آنرا اردوگاه گذاشته ایم - مرکب از چند بوهون - سیاه چادر - است. تعداد چادرهای تشکیل دهنده یک اردوگاه از دو تا دوازده عدد تغییر میکند. در موردی که ما در این گفتار از آن سخن میگوئیم اردوگاهی است با بازده چادر که شامل یک گروه انسانی شانزده خانواری است.

هر اردوگاه ممکن است روی یک شیب کوه، روی یک تپه کوچک طبیعی و یا در بارای اوقات، بخصوص در زمستان، در گودیهای دایر گردند که در مورد آخر به دلیل در امان بودن از آسیب بادهای فصلی است. چادرهای یک اردوگاه به حوی بر پا میشوند که همیشه در مسیر دید یکدیگر باشند. علت وجودی این نادترا، که نشان از ناامنی شدید گذشته دارد، امروزه نیز میتوان در دستبردهای متعدد به دامها توجیه کرد.

در هر اردوگاه، علاوه بر سیاه چادرها، تاسیسات و محلهای ساخته شده دیگری نیز وجود دارند که این تاسیسات در اردوگاههایی که در فصلهای مختلف برپا میشوند متفاوتند که به بررسی آنها میپردازیم.

اردوگاه شماره ۱، که در ماههای اردیبهشت و خرداد و تیر، یعنی زمانی که فعالیت دامپروری و شیردوشی به حد نهائی خود میرسد، دو نمونه از این تاسیسات را نشان میدهند. یکی از آنها مرکب از دو دیواره کوتاه سنگ چین شده است که

اینها "به موازات هم کشیده شده اند. یک سر آن گشاد و به تدریج این دو دیواره هم نزدیک میشوند و سر دیگر تنگ است. بختیاریها آنرا "دوم" مینامند و مخصوص شیدن شیر بزهای ماده و میش ها است. دامها توسط چوپانان از قسمت فراخ آن درون دالان قیفی شکل هدایت میشوند و یکی پس از دیگری به قسمت انتهائی تنگ دالان، که زنان شیر دوش نشسته اند، میرسند و پس از دوشیده شدن از آن رج میگردند. در پاره ای موارد به جای دیواره سنگی از دیواره نیی نیز استفاده نمود. ساختمان دوم "کوله بره" نام دارد و برای نگهداری بره ها و بزغاله ها، در این زمانیکه دامها در حال شیردوشی هستند، مورد استفاده قرار میگیرد. این ساختمان فضائی است که به شکل دایره که دور آنرا با یک دیوار کوتاه سنگی، به فاعی که بره ها و بخصوص بزغاله ها نتوانند از آن بپرند، محصور کرده اند. و کوله بره از نقطه نظر کارکردی تقریباً "مکمل یکدیگرند و در دوره ای از سال به استفاده قرار میگیرند که برای دامدارانی که پرورش دهندگان دامهای کوچک بز و گوسفند - هستند حداعلائی لبنیاتی که برای انسان مفید است به دست آید. و در همین دوره است که ایل از مرتع مناطقی استفاده می کند که غنی ترین مرتع لبنی تعلیف دامها است و این تاسیسات در اردوگاههای آنها پایه گذاری شده است. در اردوگاهها شماره ۲ محوطه هایی مشاهده میشوند که متصل به چادرها و دور آن با دیواری سنگ چین محصور شده است و بختیاریها این محوطه را

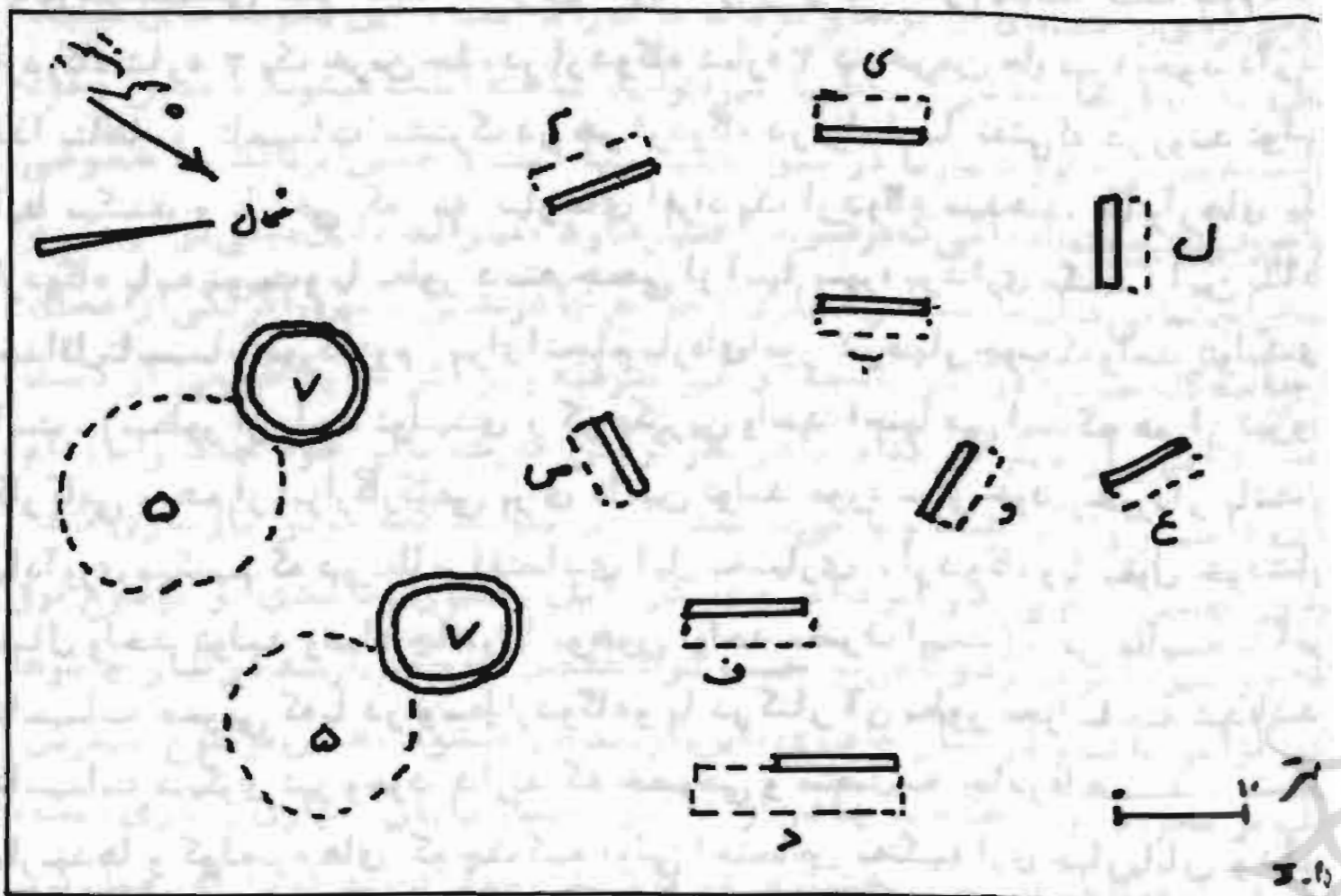


مزی دیده میشود. دور محل خرمن کوبی اردوگاه گرمسیری را با دیواره ای سنگی به ارتفاع تقریبی یک متر و نیم تا دو متر محصور میکنند که خودشان به این محوطه محصور "چیر" میگویند. محصولی را که در گرمسیر درو میکنند و فرصت کوبیدن آنرا ندارند، در این محوطه انبار میکنند و روی آنرا با شاخه های خاردار می پوشانند تا در ضمن داشتن هواکش که مانع فاسد شدن محصول است، از گزند دامها نیز در امان باشد. محصول درو شده در تمام مدت تابستان، که ایل در سردسیر است، در این انبارها میماند و هنگامی که افراد ایل به گرمسیر باز میگردند اقدام به کوبیدن آن میکنند.

از آذر ماه تا اسفند ماه شدید ترین دوره اشتغالات تولیدی ایل بختیاری است. از یک سو مسائل مربوط به تعلیف دامها، و از سوی دیگر شرایط جوی بسیار دشوار فصل زمستان و کمی علوفه مراتع مطرح هستند که به همه اینها زائیدن همزمان دامها نیز افزوده میشود. تاسیسات و بناهایی که در اردوگاه شماره ۴ به نظر میرسند، بیانگر نگرانی و دقت دامپروران در مورد حفاظت بهتر و تعلیف و تغذیه مناسب دامها است. کاهدانها و باربندها که نظیر آنرا در اردوگاه شماره ۲ مشاهده کردیم و نیز وجود حصارهای سنگی یا نیی کوچکتری بنام کوله بره که در جوار پاره های از چادرها مشاهده میشود و محل نگهداری برهها و بزغاله های بسیار کوچک است، همه حکایت از فشردگی فعالیت های دامپروری در این دوره دارند.

آنچه که به اختصار بیان شد مربوط به تاسیساتی بود که هر گروه کوچک از ایل بزرگ بختیاری در اردوگاههای مختلف خود، بنا بر مقتضیات تولید و تقویم زمانی فعالیت های تولیدی، بر پا میکند. اکنون با نهایت احتیاط به بررسی این مطلب می پردازیم که آیا وجود این تاسیسات قادر به دادن اطلاعاتی در باره سازمان اقتصادی و احتمالا "اجتماعی گروه مورد نظر هست و احیانا" میتواند روابطی را که ایل با روستا و شهر دارد، مشخص نماید؟

سیاه چادرها، خانه های سنگی و کپره های نیی موجود در هر اردوگاه منحصرأ به محل سکونت افراد یک خانوار هسته ای و یا گسترده اختصاص دارند و همه اعمال حیاتی افراد آن از نوع خوردن و نخفتن و همه اعمالی که در رابطه با زندگی است مثل پختن و بافتن و ساختن و غیره در درون آنها انجام میشود. بنابراین، چنین مکانهایی که مسکن عشایر هستند در عین پیچیدگی از نظر سازمان داخلی، نقش



شماره ۳
 اردوگاه شماره سه. زمان استفاده از اوائل مهرماه تا اوائل دی
 از جای خرمن کوبی
 از چیر، انبار گندم و جو

مدانی در امر شیوه تولید شبانی ندارند و شاید بتوان چنین گفت که اینها فقط بمنزله واحد مصرف در بطن سازمان بزرگ و پیچیده ایل بختیاری هستند. مطالبی که از بررسی آنها عاید میشود بیشتر در زمینه های آماری، روابط خانوادگی و پیشاونندی و از این قبیل است. در مقابل، بناها و تاسیساتی که به منظور فعالیت های تولیدی در یک اردوگاه بر پا میشوند، هر کدام دارای تخصص فوق العاده بوده و نشان دهنده بخشی از روند تولید شبانی بوده و در نتیجه مکمل یکدیگر هستند. وجود این بناها و فقدان بنای دیگر در مجموعه این تاسیسات میتواند گویای بسیاری از مسائل باشد. برای روشن تر شدن موضوع به توضیح زیر می پردازیم:

به طور کلی و بادر نظر گرفتن شرایط زمان و مکان، در اردوگاههای ایل بختیاری تعداد بناهایی که با فعالیت های تولیدی در ارتباط هستند به نسبت تعداد



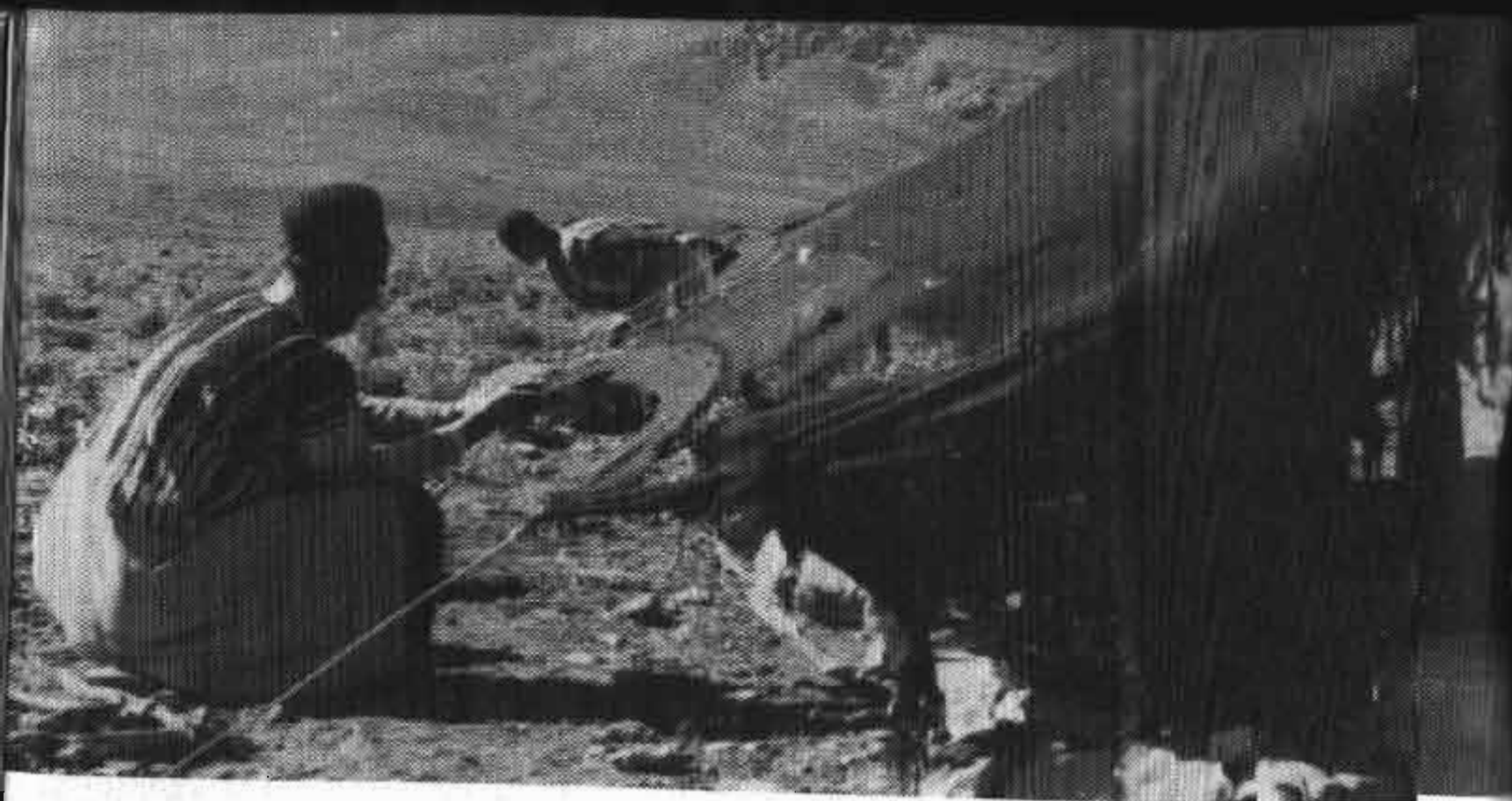
پایه حله کوچ و ورود به اردوگاه.



سیر یا بازسازی دیوار سنگی.

جبورند از ذخیره هر نوع مواد غذایی و مال و دارائی اجتناب نمایند و در نتیجه ذخیره اموال و دارائی در نظام ایلی و زندگی کوچ نشینی آنها وجود ندارد. ولی باید متذکر شد که در مورد ایل بختیاری چنین نتیجه گیری‌هایی ما را به خطا میبرد. زیرا، این یک واقعیت است که موفقیت ایل در امر تولید دامپروری به این کوچ‌ها و جابجا شدن‌ها وابسته است، و نیز درست است که حمل و نقل ذخایر برای گروهی که مجبور به جابه‌جا شدن است محذوراتی باقی با وجود می‌آورد، ولی این محذورات در جهت محدود کردن ذخایر نیست بلکه بیشتر در جهت جستجوی بهترین راه حل فنی و عقلانی برای ذخیره و حفاظت بهتر از این ذخایر است. اگر گروهی متحرک، بخشی از منافع خود را در آن می‌بیند که در یک مکان ثابت مستقر شود، علت آن تضمین صحیحی است که برای ممانعت از اسهدام و خرابی ذخایر و یا ممانعت از دستبردها به این ذخایر در این محل ثابت می‌یابد، و اگر این تضمین از یک طریق صحیح حاصل شود و گروه در چهار بوب نظام تولیدی خود همچنان به پویا عیش ادامه دهد، مراد حاصل است. به مفهوم دیگر اینکه، اگر تاسیساتی از این قبیل، که برای ذخیره مواد غذایی و دارائی است، در این اردوگاه‌ها مشاهده نمی‌شود، دلیل بر آن نیست که چنین ذخایری وجود ندارند، بلکه حتماً وجود دارند و باید آنها را در جای دیگر جستجو کرد. در نظر نگرفتن این موضوع و کوتاهی کردن از بررسی آن انکار آگاهانه رعایت عشایر با روستاها و حتی شهرها است که بدون تردید تحت اشکال و شیوه‌های گوناگون انجام میگرفته و میگیرد و یکی از تغییر ناپذیرترین مشخصه‌ها و بقایای تاریخ جوامع دامپروران چادر نشین آسیائی است.

مراحل مختلف برپا کردن یک سیاه چادر.



۲ - گسترده سیاه چادر روی زمین

کشیدن و مخم کردن بند چادر.

سیاه چادر را با پایه قول خودشان بوهون در عرض چند دقیقه آماده نمود و تبدیل با فضای خصوصی یک خانوار میگردد که همه فعالیتها خانگی در آن انجام میشود.

۳ - کوبیدن میخ های چوبی به زمین و بستن بندهای چادر به آنها.

